

اصطلاحات و واژه های فلسفی و سیاسی

تهیه شده در کتابخانه مجازی قفسه

[Www.FarsiEbook.com](http://www.FarsiEbook.com)

ابسولوتیسم **Absolutisme** – ابسولو به معنی مطلق و مقصدو از ابسولوتیسم حکومت مطلقه و ریاست یک نفر شخص مطلق العنان است بر جامعه. در این آئین حقوق و قدرت زمامدار نامحدود است.

اپیس کوپالیسم **Episcopalisme** – نام مسلکی است که در قرن ۱۶ در اروپا به وجود آمد. این مسلک منسوب به ژان کالون تئولوژیست فرانسوی است. او به سلطنت تکیه نداشت و معتقد بود که قدرت روحانی تفوق بر قدرت جسمانی دارد.

آناشه **Attache** – وابسته سفارتخانه.

آپتی میسم **Optimisme** – عقیده به خوش بینی و حسن ظن است. این اصطلاح غالباً ملحق به اصطلاحات حاکی از مرام های اصلی سیاسی می گردد.

اپورتونیسیم **Opportunisme** – مسلکی است که طرفدارانش به سرعت برحسب تغییر وضع سیاسی یا تغییر رژیم یا زمامدار بنا به نفع شخصی تغییر عقیده می دهند.

اپولوژیسم Apologisme – نام فرقه ای موسوم به اپولوژیست ها که در قرن ۱۷ در خلال جنگ های داخلی انگلستان برای مردم حق مقاومت در برابر پادشاه قائل بودند. فلاسفه آغاز مسیحیت را که معتقد به استدلال در مقابل مخالفین مسیحیت بودند نیز اپولوژیسم می خواندند.

اتوریتاریانیسم Autoritarianisme – مسلک و سیستم حکومتی است، که در آن آزادی فردی تحت الشعاع قدرت دولت قرار می گیرد.

اتوکراسی Autocracy – سیستم حکومتی ای را گویند که در آن تمام قدرت ها در دست زمامدار باشد.

اریستوکراسی Aristocrasey – حکومت اشرافی، سیستم و نوعی حکومت که در آن قدرت و نظارت در دست عده کمی از اشراف باشد.

اریستوکرات Aristocrate – عضو هیأت حاکمه اشرافی. هواخواه حکومت اشرافی.

اسکولاستیک Schoolastic – حکمت و فلسفه حکمای قرون وسطی را که در مدارس به تدریس اشغال داشتند، اسکولاستیک می نامند. فلاسفه این حکماء که به نام مدرسین یا اصحاب مدرسه نیز نامیده می شدند، بیشتر جنبه دینی داشت. از فلاسفه مهم این مکتب آپلار، تامس داکن، گیوم داکن و سنت آنسلم را می توان نام برد.

اسکی بیسم Escapisme – به معنی فرار است و مقصود از آن فرار از شرکت در کارهای اجتماعی و امتناع از قبول پست های دولتی و شرکت در امور حکومت.

اکسیپانسیونیست Expansioniste – طرفدار توسعه و گسترش اراضی کشور به وسیله فتوحات
نظمی یا به وسایل اقتصادی.

الیگارشی oligarchie – روشی در حکومت که توسط چند نفر اداره شود و کلیه قدرت ها در
اختیار عده ای محدود باشد.

امپریال imperial – امپراتوری، شاهنشاهی.

امپریالیست Imperialiste – طرفدار و هواخواه امپراتوری.

امپریالیسم Imperialisme – هواخواه امپراتوری، عقیده و روشی را گویند که هدفش بسط
امپراتوری و توسعه قلمرو و حکومت بر دیگران است.

اگوئیسم Egoisme – عقیده به اینکه طبیعت انسان در همه جا و همه زمانی اساساً خودخواه
است، لذا زمامدار باید انگیزه اش اگوئیستیک یعنی خودخواهی و خودپرستی باشد.

آنارشی Anarchie – آشوب، بی نظمی و هرج و مرج. در زبان یونانی به معنای «بدون حکومت»
است.

آنارشیت Anarchiste – آشوب طلب.

آنارشیزم Anarchisme – هرج و مرج خواهی، مسلک آنارشیزم حکومت را تنها موجب بدبختی و مصیبت های اجتماعی می داند.

انترناسیونال International – جهانی بین المللی.

انترناسیونالیسم Internationalisme – در مقابل ناسیونالیسم است و عبارت است از اعتقاد به اینکه همکاری و معاونت مابین ملت های جهان موجب سعادت و برقراری صلح و آرامش حکومت جهانی است.

انتلکتوال Intellectual – روشنفکر، خردمند.

انتلکتوالیسم Intellectualisme – مکتب اصالت قریحه و هوش و عقیده بر اینکه علم زاده عقل است و عقل منبع دانش و کشف حقیقت، یا علم صحیح به واقعیت تنها از طریق قریحه و هوش و عقل میسر است.

اندوستریالیسم Industrialisme – یعنی صنعتی شدن زندگی انسان و رواج صنعت و کارخانه و ماشین و اهمیت دادن به صنعت.

اندیویدوالیسم Individualisme – یعنی اصالت فرد و طبق این فلسفه باید اجازه داده شود که هرکس به اختیار آزاد برای خود فکر و کار کند.

اوبژکتیویسم Objectivisme – که آن را ایدآلیسم اوبژکتیف نیز می نامند، فلسفه ای است که

حقایق را از نظر حسی نگاه می کند.

اوتارکی Autarky – به معنی استقلال اقتصادی است.

اولترا اندیویدوالیسم Ultra Individualisme – عقیده به فردیت افراطی است.

اولتیماتوم Ultimatum – اتمام حجت، آخرین پیشنهادی که دولتی به دولتی می دهد و در صورت عدم قبول موجب بروز جنگ می شود.

ایرولاسیونیسم Irolationisme – اعتقاد به لزوم تبعیت از یک خط مشی و سیاست و کناره گیری علنی یک ملت از همکاری سیاسی و اقتصادی.

باکونی نیسم Bakuninisme – عقیده سیاسی با کونین پیشوای آنارشیست روسیه و اروپا. وی این مکتب را که اصولش لزوم تخریب دولت و حفظ حقوق فردیت و افکار خداوند است را ابداع کرد.

بالشویسم Balshewisme – شیوه ای خاص از مکتب «مارکسیسم» است، که طبق آن طبقه کارگر باید به وسیله دستجات محلی که پیرو انضباطی شدید از طرف دولت مرکزی باشند هرچه زودتر قدرت سیاسی را به دست آورند.

بربریسیم Barbarisme – وحشیگری، توحش و حالت بدوی زندگانی جوامع اولیه و اقوام دور از تمدن.

بلوک Bloc – دسته متحد، گروه هم بسته.

بورژوا Bourgeois – سرمایه دار، دولتمند، شهرنشین ثروتمند.

بورژوازی Bourgeoisie – سرمایه داری، طبقه ثروتمند و سوداگر.

بنتهامیسم Benthamisme – بنتهامیسم به نوعی مخصوصی از لیبرالیسم اطلاق می شود.

پاتریوت Patriot – میهن پرست.

پاتریوتیسم Patriatisme – به معنی میهن پرستی است.

پارتیکولاریسم Particularisme – علاقه شدید هر شهر به حفظ حالت خاص خود.

پلیتیک Politique – علم سیاست، سیاست.

پارتیزان Partisan – سرباز چریک، هواخواه، طرفدار.

پارلمان Parlement – مجلس نمایندگان، مجلس شورا و سنا.

پارلامانتر Parlementaire – عضو پرلمان، مطابق با آداب و رسوم پارلمان.

پارلمانتریسم **Parlementairisme** – روشی است در حکومت که در آن قوه مجریه در اعمال خود مسؤول قوه مقننه یعنی پارلمان می باشد.

پاروشیالیسم **Parochialisme** – محدودیت فکر و دلبستگی به انجام کارهای بلوکی و بخشی و محلی.

پاسی فیسم **Pacifisme** – صلح طلبی، مخالفت با جنگ به هر نوع و شکلی که باشد.

پراگماتیسم **Pragmatisme** – اصالت عمل و نقطه مقابل متافیزیک است. پیشوای این مکتب ویلیام جیمز آمریکایی است.

پروونسالیسم **Provinclisme** – نام سیستم حکومتی است که توسط ثروتمندترین افراد یک جامعه اداره شود.

پلورالیسم **Pluralisme** – به معنی کثرت، به فلسفه سیاسی اطلاق می گردد که علاقه فرد نباید منحصر به پیوستگی سیاسی وی با دولت باشد، بلکه علاقه های دیگری نیز دارد. مانند علاقه مذهبی و اقتصادی.

تائوئیسم **Taoisme** – نام مکتب سیاسی است، که بنیانگذار آن لاوتسه (۶۰۴-۵۰۱ ق.م) است
فلسفه وی یک نوع مذهب لیبرال است.

تاکتیک **tactic** – فن جنگ و راهنمایی سپاه در نبرد با دشمن.

تامیسم **Thomisme** – مکتب سیاسی منسوب به تامس داکوین (۱۲۲۵-۱۲۷۴ ب.م).

تئوکراسی Theocracy – رژیم و روشی را در حکومت گویند، که رؤسا و فرماندهان درجه اول آن پیشوایان روحانی و ارباب دین باشند، به عبارت دیگر حکومت مذهبی است.

ترادیسوین Tradition – سنت، رسوم اجتماعی.

ترادیسوینالیسم Traditionalism – اعتقاد به اصالت، سنت پرستی.

تروتسکی ایسم Trotskisme – فرقه منشعبی از حزب کمونیسم که بنیان گذارش تروتسکی یکی از پیشوایان انقلاب بلشویکی روسیه بوده.

ترور Terreur – وحشت و هراس، کشتن و از بین بردن مخالفین.

تروریست Terroriste – عامل ترس و وحشت، آدم کش.

تروریسم Terrorisme – عقیده به لزوم آدم کشی.

تریدیونیون Trade-Union – عنوان تشکیلاتی است از کارگران به منظور کوشش در بهبودی احوال ایشان و افزایش مزد و تقلیل ساعات کار و تأمین بیمه بیماری و وسایل بهداشت و...

تریدیونیونیسم Trade-Unionism – یعنی به یک اتحادیه کارگری گرویدن. لنین بین تریدیونیونیسم و سوسیالیسم فرق گذاشت. کارگران هیچگاه سوسیالیست نمی شوند بلکه ابتدا

تریدیونیونیست می شوند.

توتالیتاریونیسم Totalitarianisme – به معنی حکومت جمعی است و حکومتی است که در کلیه شؤون زندگی فرد دخالت می کند و آن را تنظیم و برای آن مقررات وضع می کند. تیرانی Tyrannie – به معنی حکومت ستمگری و جور و ظلم است.

تیرانیسید Tyrannicide – به معنی ظالم کشی و اعتقاد به لزوم قتل سری و ترور زمامداران حکومت است.

تیموکراسی Timocracy – این اصطلاح در مورد حکومتی و دولتی به کار برده می شود که زمامدارانش تنها به خاطر شرف و به دست آوردن افتخار کار می کنند. این واژه را افلاطون در کتاب جمهوریّت خود به کار گرفته است.

دپارتمانالیسم Departmentalisme – حکومتی که به ایالات و استان ها و بخش های کشور استقلال در امور داخلی خود دهد.

دسانترالیسم Decentralisme – عبارت است از انتقال نظارت و کنترل از قدرت مرکزی به واحدهای محلی.

دسپوت Despot – مستبد.

دسپوتیسم Despotisme – حکومتی را گویند که پیرو حکومت مطلقه و خودکامگی و به دست

زمامداری خودرأی و مستبد اداره شود.

دماگوژی Demagogie – عوام فریبی.

دموکرات Democrate – آزادی خواه، طرفدار آزادی.

دموکراتیک Democratique – شیوه هم‌رایی.

دموکراسی Democracy – آزادیخواهی با روشی در سیاست و حکومت که در آن اختیارات در دست مردم و نمایندگان آنها می باشد.

دمونستراسیون Demonstration – تظاهر دسته جمعی که در آن فرقه ای یا فرقه هایی یا احزاب مختلفی شرکت داشته باشند و به وسیله سخنرانی و گردش در معابر برای به دست آوردن خواست های خود جد و جهد کنند.

دگماتیسم Dogmatisme – فلسفه جزمی، عقیده به اینکه باید کورکورانه از سنت ها بدون پرسش پیروی کرد.

دیالکتیک Dialectique – مکالمه، مباحثه و جدل با روشن کردن مطلبی به وسیله مکالمه و تعقل مانند روش منطقی، منطق مکتب «مارکس» که به نام «ماتریالیسم دیالکتیک» مشهور است.

دیپلومات Diplomate – سیاسی، سیاستمدار.

دیپلوماسی **Diplomacy** – سیاست، علم سیاست، حل و عقد امور میان کشورها و ممالک خارجی.

دیکتاتور **Dictateur** – مستبد، خودرأی، خودکام.

رادیکالیسم **Radicalisme** – مکتبی است در سیاست که هواخواهان آن از اوضاع موجود ناراضی بوده و طالب تجدیدنظر و درهم شکستن تمامی قوانین و نظامات می باشند (برای به وجود آوردن مؤسسات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نو).

راسیونالیسم **Rationalisme** – فلسفه اصالت عقل، اعتقاد به برتری و تفوق عقل بر همه چیز.

رستوراسیون **Restauration** – دوران اعاده سلطنت به خانواده بوربون که از سال ۱۸۱۴ تا سال ۱۸۳۰ ادامه یافت.

رفراندوم **Referendum** – مراجعه به آراء عمومی از طرف دولت برای دستیابی به اکثریت آراء مردم.

رفرم **Reforme** – اصطلاح، تغییرات و اصلاحات سطحی در امور اقتصادی و سیاسی بدون توسل به انقلاب و شورش.

رفرماسیون **Reformation** – اصلاحات سیاسی و اقتصادی، نهضت اصلاحی.

رولوسیون Revolution – انقلاب، طغیان و شورش.

رویالیسم Royalisme – سلطنت طلبی، شیوه سلطنت طلبان در برابر جمهوریخواهان.

ریتوالیسم Ritualisme – آداب پرستی، اعتقاد به لزوم رعایت آداب مذهبی و آداب و رسوم به حد افراط.

رویزیونیسم Revsionisme – نام مکتب و مسلک ادوارد برنشتاین سیاستمدار، نویسنده سوسیال دموکرات آلمان است هدف این مسلک اصلاح و تعدیل سوسیالیسم انقلابی مارکس بود.

ژئوپولتیک Geo Politioue – نام علم جدیدی است که هدفش مطالعه و تحقیق در روابط بین جغرافیا با حیات قدرت ها و امپراتوری های بزرگ است.

ساتیاگراها Satyagraha – دریافت حقیقت، نهضت سیاسی و مذهبی ای که در سال ۱۹۱۹ شروع شد و به وسیله مقاومت منفی در برابر تجاوزات بیگانگان مبارزه نمود.

سانترالیسم Centralisme – اصول تمرکز در روش اداره حکومت یک کشور و تمرکز امور در حکومت مرکزی در پایتخت.

سزاریسم Czarisme – حکومت قیصری و به همان مفهوم استبداد و اتوکراسی و قدرت مطلقه امپراتور است.

سکولاریسم Secularisme – دنیاپرستی، اعتقاد به اصالت امور دنیوی و رد آنچه غیر آن است.

سنا Senat – مجلس اعیان، مجلس اشراف، مجلسی که نمایندگان آن از بین طبقات و افراد ممتاز انتخاب می شوند.

سناتور Senateur – نماینده مجلس اشراف، مجلسی که نمایندگان آن از بین طبقات و افراد ممتاز انتخاب می شوند.

سندیکا Syndicat – اتحادیه کارگری.

سندیکالیسم Syndicalisme – مسلکی سیاسی و جنبشی انقلابی است، که هدفش به وسیله اتحادیه های کارگری دولت به انجام رسد و دموکراسی پارلمانی را از طریق طغیان و هر نوع انقلابی واژگون کند.

سوسیالیست Socialiste – طرفدار و هواخواه مکتب «سوسیالیسم». سوسیالیسم Socialisme – مسلکی است که هدفش ایجاد و برپا کردن دسته جمعی جامعه است به نفع مردم به وسیله مالکیت دولت نسبت به کلیه وسایل تولیدی اعم از صنعت و وسایل حمل و نقل و غیره. کنترل آنها از طرف دولت است.

شوونیسم Chauvisme – ملت بازی، وطن بازی، افراط و مبالغه کورکورانه در میهن پرستی.

فابیان‌یسم Fabianisme – نام مسلک سیاسی یک سازمان سوسیالیستی در انگلستان است. اینها سعی کردند که سوسیالیسم را در طبقه متوسط معمول سازند.

فاشیست Fachiste – این اصطلاح از کلمه فاشیسمو که به عنوان شعار قدرت در روم قدیم بود گرفته شده و به معنی آشوب طلب و هرج و مرج طلب است.

فاشیسم Fachisme – این مسلک، در زمان حکومت موسولینی احیاء شد. شیوه ای در سیاست است که هرج و مرج و آشوب طلبند.

فئودال Feodal – کسی است که املاک زیادی داشته باشد و بر رعایای خود حکومت کند.
فئودالیت Feodalite – ملوک الطوایفی، نوعی تجزیه حکومت در کشورهای قرون وسطی که اشراف و مالکین بزرگ هر کدام بر قسمت تحت نفوذ خود در کشوری حکومت کرده و همیشه با هم در حال جنگ و ستیز بوده اند.

فئودالیسم Feodalisme – نوعی حکومت های مجزا از هم و ملوک الطوایفی در قرون میانه. امروز به کشورهای اطلاق می شود که عده ای از اشراف و مالکین، ملاک باشند. فاکسیون Faction – به معنی حزب است.

فاکسیونالیسم Factionalisme – این واژه را جورج واشنگتن رایج کرد و به معنی حزب پرستی است.

فاناتیسم Fanatisme – فاناتیسم یا فاناتیکسیسم Fanaticisme به معنای اعتقاد تعصب آمیز و تابع تعصب است، از هر نوع که باشد چه سیاسی، چه مذهبی، چه اخلاقی. فدرال Federal –

همگرایی، اتحاد.

فدراسیون Federation – اتحادیه چندین حکومت مستقل که به صورت دولت متحد درآیند.
همگرایی و اتحاد چند دسته از مردم.

فدرالیسم Federalisme – شیوه ای در حکومت و سیاست که به موجب آن بایستی مملکت از
اتحاد ایالات مستقل تشکیل شود.

فراکسیون Fraction – گروهی همفکر و هم رأی از یک جمعیت یا یک حزب.

فرماکونری Framaconnerie – جمعیتی سری که در برخی از کشورهای اروپایی وجود دارد.

فیزیوکراسی Physiocratie – مسلکی است که به موجب آن بایستی قوه مقننه از دخالت در
وضع قوانین اقتصادی خودداری نماید.

کاپیتال Capital – سرمایه.

کاپیتالیزم Capitalisme – یعنی سرمایه داری و آن عبارت از سیستمی است که در آن وسایل
عمده تولیدی به وسیله سرمایه های شخصی فراهم می آید و به مالکیت شخصی صاحبان سرمایه
باقی می ماند.

کاپیتولاسیون Capitulation – حق قضاوت کنسولی که به دول خارجی در داخل یک کشور

داده می شود.

کاتاکلیسیم Cataclyisme – به معنی طوفان جهانی و زیر و زبر شدن اوضاع و یا حوادثی که جهان را واژگون سازد.

کالوینیسم Calvinisme – نام مکتب و مسلک سیاسی و مذهبی منسوب به کالوین، تئولوژیست فرانسوی. این مسلک دارای جنبه آزادی و دموکراسی است.

کاسموپولیتانیسم Cosmopolitanisme – طریقه ای است از زندگی که افکار و احساسات و کمال مطلوب و عقاید ملل و اقوام را هم علاوه بر ایده آل های ملی خود محترم شمرده و سعی می کنند آنها را با حسن تفاهم درک کنند.

کرافت یونیونیسم Croft – Unionisme – نوعی اتحادیه کارگری است که مرکب از کارگرانی است که در شغل و یا حرفه خاصی کار می کنند.